2006 آلمان

اتفاق ویژه:

تیم ملی ایران در حالی به جام جهانی رفت که سایه‌های اختلاف و حاشیه تیم ملی را احاطه کرده بود و همین حواشی تیم پرستاره ایران را در آلمان زمین زد. در آن سال‌ها علی دایی در نزدیکی ۴۰ سالگی هنوز برای تیم ملی بازی می‌کرد در حالی که آشکارا از روزهای اوج خود فاصله گرفته بود. برانکو ایوانکوویچ که نخستین تجربه سرمربیگری خود را روی نیمکت ایران از سر می‌گذراند، به کاپیتان سالخورده تیمش اعتقاد فراوانی داشت؛ به گونه‌ای که دایی پای ثابت ترکیب ۱۱ نفره ایران در تمام بازی‌ها بود و ایوانکوویچ حتی او را تعویض هم نمی‌کرد. اتفاقی که خیلی‌ها آن را به حساب عدم اتوریته و اقتدار برانکوی جوان می‌گذاشتند و اعتقاد داشتند که او از دایی می‌ترسد! کندی و عدم دوندگی دایی و اعتقاد بی‌حد و اندازه و مفرط برانکو به وی، به مذاق بسیاری از ستاره‌های وقت تیم ملی بویژه علی کریمی خوش نمی‌آمد که هیچگاه در زندگی‌اش با دایی رابطه خوبی نداشته. همین اتفاق تیم ملی را بدل به دو دسته کرده بود؛ باند دایی و باند کریمی! این انشقاق در جام جهانی به تیم ملی به‌شدت لطمه زد. بعد از شکست تلخ ایران در بازی نخست برابر مکزیک که با بازی ضعیف دایی همراه بود، رسانه‌ها و افکار عمومی انتقادات تندی را علیه کاپیتان تیم ملی انجام دادند و همین سبب شد تا برانکو تحت تأثیر فشار بیرونی برای نخستین بار در طول دوران مربیگری‌اش در بازی بعدی برابر پرتغال دایی را از ترکیب بیرون بگذارد. در بازی با پرتغال تعویض علی کریمی در نیمه دوم و لگد او به ساک پزشکی جلوه دیگری از تنش و آشوب را در تیم ملی به رخ کشید و مهر تأییدی برای این انگاره بود که سرمربی جوان آن روزهای تیم ملی اقتدار و کاریزمای کافی برای هدایت تیم پرستاره ایران را نداشته است.



ستاره:

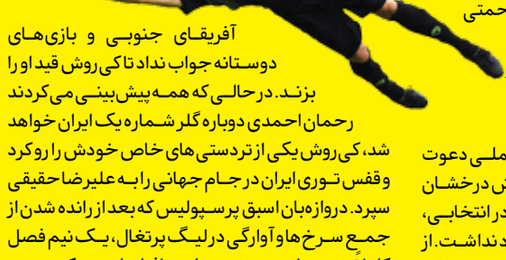
تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۰۶ لبالب از ستاره‌های ریز و درشت بود و تقریباً ترکیب اصلی ایران در اروپا بازی می‌کرد. با این ترکیب پرستاره بسیاری رؤیای درخشش در آلمان را در سر می‌پروراندند اما اختلاف و حاشیه در تیم ملی از یک سو و عدم کاریزما و اقتدار سرمربی از سوی دیگر و همچنین مصدومیت و ناآمادگی ستاره‌های اصلی در آستانه جام، تمامی رؤیاهای ما را بر باد داد. پیش از جام همگان از علی کریمی و مهدی مهدوی کیا به عنوان ستاره‌های اصلی ایران در آلمان نام می‌بردند اما دو ستاره بوندس لیگایی ایران جام کم‌فروغی را تجربه کردند. شاید تنها چهره‌ای که در آلمان درخشید، یحیی گل‌محمدی مدافع کهنه‌کار و باتجربه ایران بود. مردی که چند سال پیش‌تر از تیم ملی و پرسپولیس نامهربانانه کنار گذاشته شد اما چیرو او را دوباره به تیم ملی دعوت و برانکو نیز به او اعتماد کرد تا یحیی در سال‌های آخر فوتبالش بهترین بازی‌های عمر خود را انجام دهد. گلزنی مقابل مکزیک نقطه عطف درخشش گل‌محمدی در تیم ملی بود؛ اما چه سود که سرنوشت او در این جام همانند تیم ملی نحس و تاریک رقم خورد. شکستگی آرنج در بازی با پرتغال یک پایان‌بندی تلخ را برای مدافع باهوش ایران رقم زد؛ همانند سرنوشت تیم ملی.



2014 برزیل

اتفاق ویژه:

بعد از ماجراهای مهدی رحمتی در تیم ملی و خداحافظی ناگهانی او در آستانه ۳ بازی سرنوشت‌ساز تیم ملی در انتخابی جام جهانی، بدیهی بود که مربی اصولگرایی چون کارلوس کی‌روش دیگر رحمتی را تحت هر شرایطی به تیم ملی دعوت نخواهد کرد. کی‌روش اما با وجود نمایش درخشان رحمان احمدی در ۳ بازی پایانی ایران در انتخابی، به‌عنوان گلر اول برای جام جهانی به او اعتماد نداشت. از همین رو سراغ دورگه‌ها رفت و دانیال داوری گلری که آن زمان در بوندس لیگا بازی می‌کرد را به تیم ملی دعوت نمود تا بلکه پیراهن شماره یک ایران در جام جهانی برزیل را به او تقدیم کند. اما داوری برخلاف دژاگه و گوچی عملکردی به غایت ضعیف داشت و در اردوی اتریش و آفریقای جنوبی و بازی‌های دوستانه جواب نداد تا کی‌روش قید او را بزند. در حالی که همه پیش‌بینی می‌کردند رحمان احمدی دوباره گلر شماره یک ایران خواهد شد، کی‌روش یکی از تردستی‌های خاص خودش را رو کرد و قفس توری ایران در جام جهانی را به علیرضا حقیقی سپرد. دروازه‌بان اسبق پرسپولیس که بعد از رانده شدن از جمع سرخ‌ها و آوارگی در لیگ پرتغال، یک نیم فصل کاملاً متوسط در تیم ته جدولی پنافیل را سپری کرده بود و گزینه مطمئنی به شمار نمی‌رفت. با وجود این حقیقی به لطف دفاع مستحکم و آهنین ایران و البته استایل مناسب در جام جهانی عملکرد بدی نداشت و توانست پاسخ اعتماد کی‌روش را بدهد.



ستاره:

رضا قوچان‌نژاد ستاره ایران در جام جهانی بود. مردی که بعد از یک دوره طولانی با درخواست شخص کی‌روش حاضر شد پیراهن تیم ملی ایران را بر تن کند و خیلی زود از همان بازی‌های ابتدایی در ترکیب تیم ملی ایران در انتخابی جام جهانی ۲۰۰۶ کیفیت بالای خود را به رخ کشید. گوچی در ۳ بازی سرنوشت‌ساز پایانی ایران در مرحله انتخابی ۳ گل زد و تک‌گل ایران برابر قطر در دوحه و گل صعود ایران برابر کره جنوبی در اولسان را به ثمر رساند تا نقش کلیدی در صعود ایران به جام جهانی ۲۰۱۴ ایفا کند. رضا در برزیل هم یکی از درخشان‌ترین ستاره‌های ایران بود که در بازی به یادماندنی برابر آرژانتین همه کار کرد به جز گل زدن. گلی که البته در برابر بوسنی به ثمر رسید تا مهاجم ایران دست خالی جام جهانی را ترک نکند.



2018 روسیه

اتفاق ویژه:

جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه برای ایران لبالب از اتفاقات عجیب و خاص بود. از همگروهی با ۳ قهرمان قاره آفریقا، اروپا و جهان گرفته تا دومین برد تاریخ ایران در جام جهانی آن هم با گل به خودی مدافع حریف و گل به خودی رضاییان در برابر اسپانیا تا گل مردود عزت‌اللهی به اسپانیا و مهار پنالتی رونالدو توسط بیرانوند. اما شاید مهم‌ترین اتفاق برای تیم ملی ایران در این جام در ثانیه‌های پایانی بازی سرنوشت‌ساز آخر برابر پرتغال رخ داد. زمانی که ایران گل تساوی را به ثمر رسانده و سراپا حمله بود تا گل دوم را بزند و صعود خود را از این گروه قطعی کند. با توجه به شرایط جدول ایران در حالی برابر پرتغال قرار گرفت که شانس اصلی صعود از این گروه دشوار بود و اگر پرتغال را شکست می‌داد، می‌توانست حتی به‌عنوان صدرنشین از این گروه سخت صعود کند. اتفاقی که با آن تنها چند میلی‌متر فاصله داشتیم. در ثانیه‌های پایانی و بعد از گل تساوی، ایران سراپا حمله بود و در مهم‌ترین حمله، مهدی طارمی با دروازه‌بان پرتغال تک به تک شد اما مهاجم ایران بزرگترین فرصت سوزی عمرش را انجام داد و توپ را به بیرون زد تا ایران از پیروزی و صعود محروم شود. در طول تاریخ فوتبال ایران شاید این موقعیت، مهم‌ترین فرصتی بوده که یک مهاجم از دست داده؛ آنچه سرنوشت ما را در این جام رقم زد.



ستاره:

علیرضا بیرانوند ستاره اصلی ایران در روسیه بود. بیرو در فصل منتهی به جام جهانی در ترکیب پرسپولیس عملکرد پر فراز و نشیبی داشت و تعمیم آن به معدود بازی‌های دوستانه تیم ملی پیش از جام جهانی سبب شده بود تا همگان با تردید درباره شماره یک ایران صحبت کنند؛ بویژه اینکه بیرانوند قرار بود در برابر مهاجمان بزرگ اسپانیا و پرتغال قرار بگیرد اما کی‌روش به بیرو اعتماد کرد تا شماره یک ایران درخشان‌ترین بازی‌های خود را با پیراهن تیم ملی در جام جهانی نمایش دهد. بیرانوند از همان بازی نخستین ایران برابر مراکش درخشش را آغاز کرد و زیر آماج حملات پرفشار مراکشی‌ها هرگز تسلیم نشد و با چند سوپرسیو دروازه خود را بسته نگاه داشت و از عوامل اصلی برد شیرین برابر مراکش لقب گرفت. در برابر اسپانیا نیز بیرانوند این درخشش را تکرار کرد و اگر اشتباه رامین رضاییان نبود، شاید حتی می‌توانست برابر ستاره‌های اسپانیا نیز کلین شیت کند. اما اوج درخشش بیرو در بازی پایانی برابر پرتغال رخ داد؛ جایی که توانست پنالتی کریس رونالدو را با یک شیرجه تماشایی مهار کند و کاپیتان پرتغال را ناکام بگذارد. مهاری استثنایی که ایران را در بازی و جام نگه داشت.

